

کفاره محدود چیست؟

آر. سی. اسپرول

آموزه کفاره محدود (همچنین به عنوان «کفاره قطعی» یا «رهایی منحصر بفرد» شناخته می‌شود) تعلیم می‌دهد که کفاره مسیح (در محدوده و هدف آن) تنها به برگزیدگان محدود است؛ عیسی کفاره‌ی گناهان همه مردم جهان را پرداخت نکرد. در فرقه کلیسایی من، ما مردان جوانی را که وارد خدمت می‌شوند، بررسی و امتحان می‌کنیم، و همیشه کسی از دانش‌آموزی می‌پرسد: "آیا به کفاره محدود اعتقاد داری؟" دانش آموز با گفتن این جمله پاسخ خواهد داد: "بله، من معتقدم که کفاره مسیح برای همه کافی است ولی برای برخی ثمربخش است"، به این معنی که ارزش مرگ مسیح بر صلیب به اندازه کافی بود تا تمام گناهان هر شخصی که تا به حال زندگی کرده است را پوشش دهد، اما فقط برای کسانی که ایمان خود را در مسیح قرار می‌دهند، اعمال می‌شود. با این حال، این بیانیه واقعیت اصلی اختلاف را که مربوط به هدف خدا در صلیب است، دربر نمی‌گیرد.

اساساً دو راه برای درک نقشه‌ی ابدی خدا وجود دارد. یک درک این است که، از ابدیت، خدا تمایل داشت تا هر مردم بیشتری را از نسل سقوط کرده نجات دهد، پس او طرحی برای نجات و رهایی در نظر گرفت که به وسیله آن پسرش را به عنوان در برگزیده‌ی گناه به جهان بفرستد. بنابراین عیسی به روی صلیب می‌رود و برای همه کسانی که در مقطعی به او اعتماد می‌کنند، جان خود را می‌دهد. این یک طرح مشروط بود - خدا برای همه کسانی که از مزیت پذیرفتن آن می‌خواهد بهره‌مند شوند، یعنی برای همه کسانی که ایمان دارند، کفاره را قرار داد. ایده این است که عیسی به طور بالقوه برای همه جان خود را داد، اما از نظر تئوری ممکن است که همه چیز بیهوده بوده باشد، چون ممکن است آخرین نفر در جهان کار عیسی را رد کند و انتخاب کند که در تخطی و گناهان خود همچنان مرده بماند. بنابراین، نقشه‌ی خدا می‌تواند به خاطر اینکه هیچ کسی نمی‌خواهد از آن بهره‌مند شود، بی‌نتیجه گردد. این دیدگاه غالب در کلیسای امروز است - که عیسی به طور شرطی، برای همه، جان خود را داد. در تحلیل نهایی، اینکه آیا نجات و رستگاری اتفاق می‌افتد، به تصمیم هر فرد بستگی دارد.

دیدگاه اصلاحات، طرح خدا را به شکل متفاوتی درک می‌کند. این دیدگاه می‌گوید، خداوند از ازل، نقشه‌ای ابداع کرد که مشروط نبود. این یک طرح "الف" بود که در صورت عدم موفقیت، هیچ طرح "ب" یا "ای" به دنبال آن انجام نمی‌شد. بر اساس این نقشه، خداوند مقرر کرد که تعداد معینی از مردم را از انسانیت سقوط کرده، نجات دهد، افرادی که کتاب مقدس آنها را برگزیدگان می‌نامد. برای اینکه طرح انتخاب برگزیدگان در تاریخ عملی شود، او پسرش را با هدف و طرحی خاص به جهان فرستاد تا نجات و رستگاری را

برای برگزیدگان به انجام برساند. این کار کاملاً انجام شد، بدون اینکه قطره‌ای از خون مسیح تلف شود. هرکسی که پدر برای نجات انتخاب کرد، از طریق کفاره نجات خواهد یافت، طرح خدا را به گونه‌ای دیگر درک می‌کند. می‌گوید خداوند از ازل، نقشه‌ای ابداع کرد که موقتی نبود. این یک طرح "الف" بود که در صورت عدم موفقیت، هیچ طرح "ب" دنبال نمی‌شد. بر اساس این طرح، خداوند مقرر کرد که تعداد معینی از مردم را از بشر سقوط کرده نجات دهد، افرادی که کتاب مقدس آنها را برگزیدگان می‌نامد. برای اینکه آن طرح انتخاب در تاریخ عملی شود، او پسرش را با هدف و طرحی خاص به جهان فرستاد تا نجات و رهایی را برای برگزیدگان به انجام برساند. این کار به طور کامل انجام شد، بدون اینکه قطره‌ای از خون مسیح هدر شود. هرکسی که پدر برای نجات انتخاب کرد، از طریق کفاره، نجات خواهد یافت.

در انجیل یوحنا، عیسی درباره گوسفندان خود به عنوان کسانی که پدر به او

بخشیده صحبت می‌کند.

نتیجه دیدگاه غیر از دیدگاه اصلاحات، این است که خدا از قبل نمی‌داند چه کسی قرار است نجات یابد. به همین دلیل، امروزه الهی‌دانانی وجود دارند که می‌گویند: «خدا تا حد ممکن بیشترین تعداد افراد را نجات می‌دهد». خدا چند نفر را می‌تواند نجات دهد؟ او قدرت نجات چند نفر را دارد؟ اگر او واقعاً خداست، قدرت نجات همه آنها را دارد. او اختیار نجات چند نفر را دارد؟ آیا خدا نمی‌تواند در زندگی کسی مداخله کند، همانطور که در زندگی موسی، زندگی ابراهیم یا زندگی پولس رسول کاری را انجام داد تا آنها را به یک رابطه نجات‌بخش با خود وارد کند؟ او قطعاً حق این کار را دارد.

ما نمی‌توانیم انکار کنیم که کتاب مقدس درباره مرگ عیسی برای «جهان» صحبت می‌کند. یوحنا ۳: ۱۶ مثال برجسته‌ای از آیه‌ای است که از این زبان استفاده می‌کند. اما در عهد جدید، از جمله انجیل یوحنا، دیدگاه متعادلی وجود دارد که به ما می‌گوید عیسی جان خود را نه برای همه، بلکه تنها برای گوسفندانش فدا کرد. اینجا در انجیل یوحنا، عیسی در مورد گوسفندان خود به عنوان کسانی که پدر به او داده صحبت می‌کند.

در یوحنا ۶، می‌بینیم که عیسی گفت: "کسی نمی‌تواند نزد من آید، مگر آنکه پدری که مرا فرستاد او را جذب کند" (یوحنا ۶: ۴۴)، و کلمه‌ای که به عنوان "جذب شدن" ترجمه شده است، حقیقتاً "مجبور کردن" را معنی می‌کند. عیسی همچنین در آن فصل گفت: «هر آنچه پدر به من عطا کند، به جانب من آید» (یوحنا ۶: ۳۷). منظور او این بود که هرکسی را که پدر در طرح ازلی خود برای آمدن نزد پسرش قرار داده بود، خواهد آمد و هیچ کس دیگری نخواهد آمد. بنابراین، نجات شما، از ابتدا تا انتها، بر حاکمیت مطلق

خدا استوار است، که به لطف و فیض خود تصمیم گرفت تا به شما رحم کند، نه به خاطر چیزی که در شما دید تا به عنوان حق خود آن را ادعا کنید، بلکه به خاطر محبت پسر آن را انجام داد. تنها دلیلی که در زیر آسمان می‌توانم بگویم که چرا مسیحی هستم، این است که هدیه‌ای از طرف پدر به پسر هستم، نه به خاطر کاری که تا به حال انجام داده‌ام یا می‌توانم انجام دهم. این مقاله بخشی از مجموعه [TULIP تولیپ](#) چیست؟ است.

دکتر آر. سی. اسپرول، بنیانگذار خدمات لیگونیر، اولین کشیش جهت موعظه و تعلیم در کلیسای سنت اندرو در سنفورد ایالت فلوریدا و اولین رئیس دانشگاه الهیات ریفورمیشن بایبل کالج بود. ایشان نویسنده‌ی بیش از یک‌صد جلد کتاب، از جمله قدوسیت خدا بوده است.

این مقاله در وبسایت [لیگونیر](#) منتشر شده است.